



تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری

ندا شجیعی قندشتنی

انتشارات سیمرغ خراسان

۱۳۹۶

سرشناسه : شجیعی، ندا
عنوان و نام پدیدآور : تاثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری / ندا شجیعی قندشتنی.
مشخصات نشر : مشهد: سیمرغ خراسان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۲۲۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۱۴-۳۹-۳
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : سپهری، سهراب، ۱۳۰۷ - ۱۳۵۹ -- نقد و تفسیر
موضوع : Sepehri, Sohrab, ۱۹۲۸ - ۱۹۸۰ -- Criticism and interpretation
موضوع : نیما یوشیج، ۱۲۷۴ - ۱۳۳۸ -- تاثیر -- سهراب سپهری
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع : ۲۰th century -- History and criticism -- Persian poetry
رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ت ۳ / PIR۸۰۹۴
رده بندی دیویی : ۸۱۶۲ / ف۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۵۹۵۹

انتشارات سیمرغ خراسان

آدرس: مشهد- امامت ۲۳- پلاک ۱۶۶

تلفن: ۰۹۱۵۷۰۰۱۰۳۰-۰۹۱۵۴۷۶۱۰۳۰

نام کتاب: تاثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری

مؤلف: ندا شجیعی قندشتنی

ناشر: انتشارات سیمرغ خراسان

طراح جلد: سارا طوفانی

صفحه آرایبی: جواد حقیقت خواه

قطع: رقعی / شمارگان / ۱۳۹۶/۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۱۴-۳۹-۳

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

فصل اول

۱۵	آغاز کلام
۱۵	شرح حال مختصری از نیما
۱۸	تأثیر شاعران پیشین فارسی بر نیما
۲۱	آشنایی با زبان خارجی (بیگانه)
۲۳	تعریف سمبولیسم
۲۵	تعریف ناتورالیسم
۲۵	تأثیر شاعران بیگانه
۲۹	تحوّلات نیمایی در شعر
۲۹	احساس ضرورت تحوّل
۳۲	همگامی با تحوّل دنیا
۳۳	وزن در شعر نیما
۳۳	تعریف وزن شعری و اهمّیت آن
۳۵	ایجاد تحوّل در وزن
۳۷	روش کار نیما در موسیقی شعر
۴۱	قافیه در شعر نیما
۴۶	تغییر در محتوا
۴۷	ارائه ی دید و نگاه ی وسیع
۴۸	تعادل جوهر شعر و عنصر فکر
۵۰	توجه به اهمّیت هارمونی در شعر
۵۲	مشکل شعر نیما
۵۳	سیر دگردیسی سبکی نیما
۵۴	رمانتیسم نیما
۵۵	مشخصات سبک رمانتیسم
۵۵	انزوا و احتراز از مردم
۵۶	مطلق نگری
۵۸	رنالیسم نیما
۵۹	ناتورالیسم نیما
۵۹	طبیعت و دنیا در شعر نیما
۶۷	سمبولیسم نیما
۶۹	از تمثیل تا سمبولیسم واقعی
۷۱	نماد و نمادگرایی نیما

۷۵	قمنوس، شعری سمبولیک
۸۴	جهان بینی نیما در شعرش
۱۰۳	بررسی منظومه‌ی افسانه

فصل دوم

۱۱۵	مقدمه
۱۱۷	مختصری از زندگی سهراب
۱۲۳	سپهری و استقلال سبکی
۱۲۴	تولد سپهری در شعرش
۱۲۵	«حجم سبز» و پختگی سپهری
۱۲۶	سپهری، صاحب سبک
۱۲۷	تأثیرپذیری سپهری از گذشتگان
۱۲۸	سپهری و مولوی
۱۳۲	سپهری و بیدل
۱۳۵	سپهری و نظامی
۱۳۶	تأثیرپذیری سپهری از معاصرین
۱۴۰	رد پای نیما در دفترهای شعر سهراب
۱۴۱	سیر تحول در سهراب
۱۴۳	تحول اندیشه و کلام سپهری
۱۴۴	سپهری و فضای جامعه
۱۴۵	عرفان سپهری
۱۴۷	اعتقاد به دائو و بودا
۱۵۰	شعرهای عرفانی سپهری
۱۵۲	گرایش های سپهری در هر دوره
۱۵۷	هنر نقاشی سپهری
۱۵۸	ویژگی نقاشی های سپهری
۱۵۹	بی زمان بودن
۱۶۰	دوگانگی بین شعر و نقاشی سپهری
۱۶۰	شبهه نثر مسجع
۱۶۱	سپهری و خاور دور
۱۶۲	سادگی کلام سپهری
۱۶۲	ناتورالیسم سپهری
۱۶۳	طبیعت در شعر سپهری
۱۶۴	رمانتیسم سپهری

۱۶۵	تعریف امیر سیونیسیم
۱۶۶	تعریف سوررئالیسم
۱۶۷	سوررئالیسم سپهری
۱۶۸	جهان بینی سهراب در شعرش
۱۶۹	بررسی شعر «صدای پای آب»
۱۷۹	اعتقاد سهراب به وحدت وجود
۱۸۰	ویژگی های درونی شعر سپهری
۱۸۱	سپهری، پیرو نیما
۱۸۳	وزن و قافیه بندی نیمایی در شعر سهراب

فصل سوم

۱۸۷	سر آغاز
۱۸۷	شباهت های شعر واندیشه ی نیما و سهراب
۱۸۷	عینی نگری و حضور در شعر
۱۸۸	حسامیزی
۱۹۱	آنیما و همزاد پنداری
۱۹۳	گوشه گیری و دوری از شهر
۱۹۴	کاربرد صنعت تشخیص
۱۹۵	توجه به اصل وجود و شناخت خود
۱۹۶	علاقه به طبیعت
۲۰۲	گرد آوری نظرات و عقاید
۲۰۳	عناوین شعری
۲۰۳	به کار گیری اصوات
۲۰۴	شعر نمایشنامه ای
۲۰۶	تفاوت هایی در شعر واندیشه ی نیما و سهراب
۲۰۶	تفاوت مکتب و سبک شعری
۲۰۷	جاذبه و کشش شعر
۲۰۸	نقاشی طبیعت در شعر
۲۰۹	نوع عرفان
۲۱۰	حضور آدم ها در شعر
۲۱۱	نیمای جسور و سهراب خجول
۲۱۷	واژه ی شب در شعر سهراب
۲۲۳	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

هر کس در هر زمان بخواهد از شعر نو صحبت کند، قطعاً باید سراغ نیما یوشیج برود و سخن را از او شروع کند.

دگرگونی و تحوّل شعر ما و افتادنش به مسیر تازه در حقیقت نقطه ای روشن تر از نیما ندارد، او هیچ کدام از شاعرانی که پیش از او و یا همزمان با او می شناسیم؛ دگرگونی شعر امروز ما را مشخص تر و گویا تر از او نشان نمی دهند، او « نیما تنها شاعر صاحب سبک مستقلی است که ادبیات ما پس از شیوه ی هندی به خود دیده است. او ردای رسالت شاعر را به شاعر بازگرداند. پانصد ششصد سال بود که شعر ما از زندگی حقیقی و حقیقت زندگی دور افتاده بود. چه ارزش های تازه که پیدا شده بود و چه حقایق معصوم که بی زبان مانده و شعر ما همچنان از آن ها بی خبر، تا نیما رسید به سان یگه سواری که شمشیرش فریادش بود، و سپرش صفا و صمیمیتش.»^۳

نیما به این اعتبار که شعرش در قلمرو شعر ناب و بری از آمیختگی و آلودگی است و سرشار از پاکی و صفای روستایی، به باباطاهر می ماند؛ مخصوصاً حسّاسیت و سوز سخنش، و به این اعتبار که در کنه اعراض تصاویر و تمائیل واقعیات عینی، جوهر شعرش متکی به قائمه ی فکری و عمق دردهای بشری است و جهان بینی دارد، به خیام شباهت دارد.

۱- (رک. اخوان ثالث، ۱۳۶۹/۳۰)

۲- (همان جا)

۳- (همان / ۵۶)

البته بی قاطعیّت و صراحت خیّام که از الطاف هنر اوست، بلکه با ابهامی

غالباً معتدل. و این ابهام زائیده‌ی همان بیان تمثیلی و تویه دار و عینی اوست.^۱

«اما از حیث استقلال سبک در گزینش الفاظ و شیوه‌ی جمله بندی و

برش‌ها و فصل‌ها و عطف‌ها و نحوه‌ی آوردن صفت و قید و خلاصه آنچه

مربوط به جنبه‌ی لفظی کارهای اوست، بی شبیه است.»^۲

یکی از بزرگترین هدیه‌های نیما به ادبیّات ما فردیّت است. به این معنا که

شاعر به جای آنکه یک پیش-نمون شاعرانه را تکرار کند تا شاعر شناخته شود

و به جای تبعیّت از آن سرمشق قدیمی که می گوید: «ره چنان رو که رهروان

رفتند»، به او میدان باز زندگی فردی و تجربه‌های آن را نشان می دهد که شاعر

می باید قوّه‌ی خیال و بینش خود را در آن به کار برد و صیدهای شاعرانه‌ی

خود را به تور اندازد. او به ما آموخت که شاعری تکرار کلیشه‌های شاعران

گذشته نیست و میدان تجربه و بینش شاعرانه محدود به میدان تجربه‌های سنتی

نیست و سنت‌های دیرینه‌ی پوسیده چه بسا سدّ راه آفرینندگی هنرمندانند.^۳

نیما در قالب شعر کلاسیک فارسی به صورت غزل و قصیده و مثنوی و رباعی

آثار بسیار دارد. اما در یک نگاه کلی باید گفت که این آثار از او یک شاعر

ماندگار نمی سازد و اگر جز در همین قالب‌ها شعر نمی گفت و راه تازه نمی گشود،

در ادبیّات فارسی شاعر بزرگی نمی بود و نامش فراموش می شد.^۴ در دوران

۱- (رک. همان/۶۷و۶)

۲- (همان جا)

۳- (رک. آشوری، ۱۱۳/۱۳۸۰)

۴- (رک. همان/۱۰۴)

تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری | ۹

اخیر شعر ایران، نیما یوشیج با ارائه ی نوآوری، بر قانونمندی و قواعد شعر، تازه هایی افزود و با کار شگفت خویش، شعر را از بن بست سال های سال رهانید، از آن پس فضا سازی در شعر دگرگون شد.

«هنرمند جوینده از اشیایی سخن به میان می آورد که در گذشته منع شده بود. ما حاصل کار او ظهور شاعرانی است که از مسائل تازه و فضای تازه تر سخن گفته اند.»^۱ یکی از آن شاعران که تحت تأثیر نیما ظهور نموده اند سهراب است. شعر نو، زبانی دیگر می خواهد که زبان روز است و پیام آور از ذهن شاعر. همان گونه که سپهری می گوید: «رنگ عشق مثل پره های صداقت آبی بود». آیا عشق رنگ دارد؟ آیا صداقت پر دارد؟ آیا پره های صداقت آبی است؟

اینان اصطلاحاتی هستند که امروزه کاربرد دارد و محصول تلاش ذهنی شاعر است و روال کار را از حالت ایستایی گذشته به پویایی تبدیل کرده است و سخن نو است که در گذشته نبوده و اکنون به ادبیات ما وارد شده است.^۲ شعر نیما نه تنها جریان تاریخی شعر را در بستری دیگر و در مسیری دیگر انداخت، بلکه در شعر کسانی هم که همچنان در طریق سابق و مسیر گذشته راه می پیمودند و می پیمایند اثر گذاشت.^۳ یکی از کسانی که نیما در شعر ایشان اثر گذاشت، سهراب سپهری بود که موضوع اصلی بحث ما را شامل می شود.

نگارنده به دلیل علاقه ی زیادی که به این دو شاعر برجسته ی معاصر ایران نیما یوشیج و سهراب سپهری، دارد و همین طور به جهت اهمیّت بالایی

۱- (نیرو، ۱۳۷۸/۵۵)

۲- (نوری، ۱۳۷۸/۱۰)

۳- (رک. جلالی پندری، ۱۳۷۴/۵۶)

۱۰ | تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری

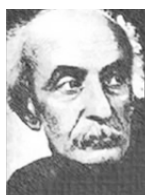
که خود نیما یوشیج به عنوان پدر نو شعر فارسی دارد، بر آن شد تا تأثیراتی را که سهراب از نیما پذیرفته است و همچنین میزان استقلالی را که خود سهراب در مسیر پیمودن راه نو به دست آورده است، مورد بررسی قرار دهد. البته باید گفت که سهراب سپهری یکی از خیل شاعران معاصر است که تحت تأثیر نیما سروده است و انتخاب او تنها به علاقه و سلیقه ی نگارنده برمی گردد.

شاید این کار و این بررسی آنقدر که این دو عزیز شایسته ی آنند، کامل و جامع نباشد اما افتخار نگارنده آن است که چند صباحی سوار بر بال فکر و شعرشان به نظاره و مشاهده ی زیبایی های با شکوهی که ایشان خلق کرده اند، پرداخته است و از آن همه شکوه پی در پی و ماندگار لذت برده است و اینک امیدوار است که دست کم سخنی که از دل برآمده است، بر دل خوانندگان محترم نیز بنشیند و خواهش نگارنده از همه ی خوانندگان عزیز آن است که اگر ذره ای سخن استوار را در این اثر مشاهده نمودند، با لطف سرشار خود آن را همچون قلمی بر همه ی کاستی های موجود بکشند و نگارنده اش را عفو نمایند. در سرانجام کلام، نگارنده همچنین سر افزای و خرسندی و سعادت خود را از همراهی و مساعدت بی دریغ اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر فاضلی و جناب آقای دکتر اشرف زاده، ابراز می دارد و در همین جا از محضر پر لطف ایشان کمال سپاسگزاری را بجا می آورد و برای این دو عزیز و همچنین دیگر اساتید زبان و ادبیات فارسی آرزوی سلامتی و بهروزی دارد.

ندا شجیعی قندشتنی

فصل اوّل

نیما یوشیج



من چه‌رم ام گرفته
من قایقم نشسته به خشکی
مقصود من ز حرفم: معلوم بر شماست
یک دست، بی صداست.
من، دست من، کمک ز دست شما می کند طلب.

عشقم آخرد جهان بدنام کرد
آخرم رسوای خاص و عام کرد

آغاز کلام

در واقع مهم ترین قسمت در زندگی شاعری نیما، نوع زندگی اوست. این که او کجا متولد شده است؟ در چه خانواده ای و در چه محیطی پرورش یافته است؟ و در چه فضای سیاسی و محیط اجتماعی قرار داشته است؟ به طور قطع همه ی این عوامل در نیما شدنِ علی اسفندیاری بسیار نقش اساسی داشته اند. پس در اینجا با شرح کوتاهی از زندگی نیما آغاز کنیم.

شرح حال مختصری از نیما

« علی اسفندیاری، در پاییز سال ۱۳۱۵ ه.ق در دهکده ی دورافتاده ی (یوش) از دهات نور مازندران به دنیا آمد.»^۱ یوشیج طبری است به معنای (یوشی) یا (اهل یوش).^۲ از زبان خود نیما می خوانیم: «پیوستگی من از طرف جدّه به گرجی های متواری از دیر زمانی در این سرزمین می رسد.»^۳

« پدرش، ابراهیم خان اعظام السّلطنه، مردی شجاع و آتشی مزاج از افراد یکی از دودمانهای قدیمی مازندران محسوب می شد و در این ناحیه به کشاورزی و گلّه داری مشغول بود.»^۴

نیما دوره ی طفولیت را در دامان طبیعت و در میان شبانان و ایلخی بانان گذراند که به هوای چراگاه، به نقاط دور، بیلاق و قشلاق می کنند و شب بالای کوه ها به دور هم جمع می شوند و آتش می افروزند. او بعد ها از سراسر

۱- (آرین پور، ۱۳۷۲، جلد ۱/۴۶۶)

۲- (رک. طاهباز، ۱۳۸۳/۱۱)

۳- (همان/ ۱۷)

۴- (آرین پور، ۱۳۷۲/۴۶۶)

دوران کودکی، به گفته ی خودش، « جز زد و خوردهای وحشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده در آرامش یکنواخت و کور و بی خیر از همه جا، چیزی به خاطر نداشت.»^۱

نیما خواندن و نوشتن را در زادگاه خود نزد آخونده آمده آموخت. می گوید: « او مرا در کوچه باغها دنبال می کرد و به باد شکنجه می گرفت. پاهای نازک مرا به درخت های ریشه و گزنه دار می بست و با ترکه های بلند می زد و مرا مجبور می کرد به از بر کردن نامه هایی که معمولاً اهل خانواده ی دهاتی به هم می نویسند و خودش آنها را به هم چسبانیده و برای من طومار درست کرده بود.»

دوازده سال داشت که با خانواده اش به تهران آمد و پس از گذراندن دوره ی دبستان برای فرا گرفتن زبان فرانسه به مدرسه سن لوئی رفت. در مدرسه خوب کار نمی کرد و تنها نمرات نقاشی و ورزش به دادش می رسید. سال های اوّل زندگی مدرسه اش به زد و خورد با بچه ها گذشت. هنر او خوب پریدن و فرار از محوطه ی مدرسه بود. اما بعدها در مدرسه مراقبت و تشویق یک معلم خوش رفتار که نظام وفا، شاعر بنام، باشد او را به خط شعر گفتن انداخت.^۲

علی اسفندیاری در سال ۱۳۰۰ نام مستعار نیما یوشیج را برای خود انتخاب کرد و از آن به بعد شعرهایش را با این امضا منتشر کرد.^۳

در آن هنگام جنگ بین الملل اوّل ادامه داشت و نیما می توانست اخبار

۱- (رک. همان جا)

۲- (همان/۴۶۷)

۳- (رک. نوری، ۱۳۷۸/۲)

جنگ را به زبان فرانسه بخواند.

در ابتدا به سبک معمول قدیم و مخصوصاً به سبک خراسانی شعر می ساخت. اما آشنایی به زبان فرانسه و ادبیات آن زبان راه تازه ای در پیش چشم او گذاشت. ثمره ی کاوشهای وی در این راه، بعد از جدایی از مدرسه و گذراندن دوران دلدادگی، بدانجا انجامید که ممکن است در منظومه ی افسانه‌ی او دیده شود.

« نیما تابستان ها به زادگاه خود می رفت و این کاری بود که بعدها هم ترک نکرد و تا آخر عمر ادامه داد.»^۱ در جوانی به دختری دل باخت ولی چون به دین او در نیامد، پیوند عاشقی گسیخته شد و شاعر که در عشق نخستین شکست خورده بود، با یک دختر کوهستانی به نام (صفورا) آشنا شد. پدر نیما علاقه داشت که او با صفورا ازدواج کند ولی صفورا حاضر نشد به شهر بیاید و در قفس زندگی شهری زندانی شود و ناچار از هم جدا شدند.^۲

« نیما دیگر او را ندید و مدت‌ها اندیشه ی عشق بر باد رفته خاطر پریشان او را به خود مشغول می داشت. شاعر جوان برای رهایی از خیال صفورا به سراغ دانش و هنر رفت. بیشتر اوقات به حجره ی چای فروشی شاعر، حیدر علی کمالی، می رفت و در آنجا به سخنان ملک الشعرا ی بهار، علی اصغر حکمت، احمد اشتری و دیگر گویندگان و دانشمندان عهد خود گوش فرا می داد و

۱- (آرین پور، ۱۳۷۲/۴۶۷)

۲- (رک. همان جا)

زمینه ی شعر و هنر خود را مهیا می ساخت.^۱

اولین اثری که سرود قصه ی «رنگ پریده» و اولین منظومه ای که چاپ کرد، افسانه بود. نیما طبق گفته ی خودش زیاد می نوشت و کم انتشار می داد. او بدون گفتگو بنیاد گذار شعر آزاد در زبان فارسی است.^۲ «در بهار سال ۱۳۰۵ پدر نیما درگذشت و او اداره ی زندگی را به عهده گرفت. در همین سال با عالیه جهانگیری (از خانواده ی میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل) ازدواج کرد و نتیجه ی این ازدواج پسری بود به نام «شراگیم».^۳

و سرانجام نیما به سال ۱۳۳۸ پس از دوره ی کسالت ممتد در تهران درگذشت و این آثار از وی به یادگار مانده است:

ماخ اولاً، شعر من، ناقوس، شهر شب و شهر صبح، آهو و پرنده ها، قلم انداز، مانلی و خانه سریولی، حکایات و خانواده ی سرباز، افسانه و...^۴.

تأثیر شاعران پیشین فارسی بر نیما

آنچه که مسلم است، همه ی شاعران معاصر و امدار شاعران گذشته می باشند. نیما هم از شعر شاعران زیادی بهره برده است که در اینجا تنها به دو تن از آنها اشاره می شود.

نیما و نظامی

در احوال نیما یوشیج خوانده ایم که روزی نظام وفا، معلّمش، از او

۱- (همان جا)

۱- (رک. طاهباز، ۱۳۸۳/۱۱)

۳- (نوری، ۱۳۷۸/۲۷-۲۸)

۳- (رک. طاهباز، ۱۳۸۳/۱۲)

تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری | ۱۹

پرسید که به کدام شاعر قدیمی علاقه مند می باشد و نیما در پاسخ گفت که به اشعار نظامی علاقه ی زیادی دارد. پس بنا بر اشاره های مکررّش در نوشته های مختلف، چنین پیداست که بیش از هر شاعر کلاسیک ایران به نظامی متوجّه و در مثنوی هایش متأثر از زبان اوست:

در هم انداز حرف ها به دهن

گرم بگشای گونه گون سخن

آینه بند این فسانه ی نغز

اوست کز پوست می گشاید مغز

از سر رادی و تمام دهی

کرده از داده گنج خویش تهی

این سه بیت به نمونه از مثنوی (قلعه ی سقریم) که جز زبان و شیوه ی بیان، از لحاظ داستان پردازی و فضای خاص نیز تحت تأثیر یکی از حکایات «هفت گنبد» نظامی است.^۱

و پنج بیت دیگر از (قلعه ی سقریم):

می رود چون بر استخوان سوهان

این زمانم به سینه اندوهان

پرده تا زین نهفته در نکشم

من زبان زین نهفته در نکشم

ره به من بر ز هر جهت بسته

من به ره بر ز هر جهت خسته

کس نه از جستجوی روی بتافت

گر چه بسیار کس بجست و نیافت

کافتم خانه را چنانکه رواست

دیده چون افکندیم از چپ و راست

۲۰ | تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری

«این مثنوی، مثنوی است به قاعده و حاکی از تسلط گوینده‌ای که به نسبت به ظرائف و دقایق کار سخن بر اثر ممارست در شعر کهن، معرفت و مهارت دارد در آرایش و بدایع کلام از جمله‌ی «قافیه ملتزم» (در بیت اوّل) و قافیه‌ی دوگانه (در بیت دوم) و ترصیع (در بیت سوم) نیز، تعهد نشان می‌دهد و می‌داند که در زیبایی سخن، موسیقی درون بیت (خاصّه در مثنوی) سخت مؤثر است؛ و بر این خط چندان پای می‌فشرد که به شیوه‌ی نظم «نظامی» راه می‌برد.»^۱ البته شاهد مثال‌ها بیش از این هستند اما نگارنده به همین مقدار اکتفا می‌کند.

نیما ومولوی

یکی دیگر از شاعران گذشته‌ی فارسی که بر نیما تأثیر نهاده است، مولوی است و این موضوع را در هنگام خواندن اشعار نیما می‌توان احساس کرد. به عنوان مثال: «یاء، در شعر نیما، که به عنوان علامت کسره‌ی مضاف است، ساکن می‌شود و باید (ی) را ساکن خواند و این کار را مولانا در مثنوی خود به وجود آورده و شاید بتوان گفت برای اوّلین بار در شعر کلاسیک فارسی، به وسیله‌ی هم او - که به خصوصیات لفظی و قیدهای وزن و قافیه‌ی چندان پایبند نبود- وارد شده است.»^۲ البته ظاهر و جنبه‌ی لفظی از لحاظ مضمون و محتوا متأثر از مولوی بوده است. «قصّه‌ی رنگ پریده خون سرد» که (سر به سر عشق است و ناکامی و درد) نخستین اثر منظوم نیما است. این مثنوی نزدیک به پانصد بیت دارد و در بحر معروف مثنوی (رجز مسدّس)

۱- (همان/۴۱ و ۴۰)

۲- (زمانی‌نیا، ۱۶/۱۳۷۶)

تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری | ۲۱

است. جای پای مولانا جلال‌الدین حتّی در معنی این قصّه پیدا است و در آن از درد هجران از غم دوران، از ناپایداری زمانه از همان دردهای کهن و مزمن سخن رفته است.^۱ چنانکه اشاره شد نیما در شعر «قصّه ی رنگ پریده خون سرد»، از نظر شکل و مضمون تحت تأثیر مولوی و مشخصاً (داستان پادشاه و کنیزک)، مثنوی خود را سروده است.^۲ و نمونه‌هایی از این دست بسیار است که نشانه‌های توجّه نیما به شعر شاعران گذشته و همچنین تأثیر شاعران پیشین بر نیما را می‌توان لمس کرد و نظریه ی کسانی را که معتقدند نیما به آثار گذشتگان توجّه‌ی نداشته است، رد نمود.

جلال آل احمد عقیده دارد که جای پای مولانا جلال‌الدین در معنا و مفهوم «قصّه ی رنگ پریده، خون سرد» نیما پیدا است، چون در آن از درد و هجران، از غم دوران، از ناپایداری زمانه، از همان دردهای کهن و مزمن سخن رفته است.^۳

آشنایی با زبان خارجی (بیگانه)

از مسائلی که در شکل‌گیری سبک نیما تأثیر بسزایی دارد، آشنایی او با زبان و ادبیات خارجی و بیگانه است. اگر چه که در ترجمه‌های اشعار اروپایی تأمل‌نماییم گویی با نوعی شعر نو و سپید روبه‌رو می‌شویم و به جز این، در خود دستور زبان آنها، جا به جایی در فعل و فاعل و سایر ارکان جمله وجود

۱- (رک. جلالی پندری، ۱۳۷۴ / ۶۹)

۲- (رک. مهاجرانی، ۱۳۷۵ / ۸۶)

۳- (رک. جلالی پندری، ۱۳۷۴ / ۷۰)

دارد که باز این هم می تواند عاملی اثر گذار در تغییر بیان و سبک شعری نیما شده باشد و همچنین وزن شعری زبان فرانسه عاملی دیگر در ایجاد سبک نیمایی به نظر می رسد. از طرفی حتی ساختارهای نحوی اشعار فارسی نیما بی تأثیر از زبان مادری اش نیست که آنها هم در جای خود باید برای خواننده ی فارسی زبان آشکار شود.^۱

برخی از پژوهشگران معتقدند که آشنایی نیما با زبان بیگانه هیچ تأثیری در شیوه ی شاعری نیما نداشته است، اما نیما خودش نوشته است: « آشنایی با زبان خارجی راه تازه را در پیش چشم من گذاشت » و به این طریق قبل از مطالب دیگر اگر تحوّل را که او به وزن اشعار خود داده است اثری از ادبیات فرانسه بدانیم راه ناصوابی نرفته ایم.^۲ به عنوان مثال برخی «قصّه ی رنگ پریده»ی او را تحت تأثیر شعر فرانسه می دانند.^۳ پس می توان گفت: «با شروع دوران شکفتگی و در اثر آشنایی با ادبیات فرنگ نیما کم کم به راه شعر آزاد و شعر سفید افتاده است.»^۴

«البته باید گفت: عامل مهم که در ایجاد شعر نیمایی نقش تعیین کننده دارد، فردیت و بصیرت نبوغ آمیز خود نیما است.»^۵ که اصلی ترین ویژگی هر شاعر و هنرمند است و تا استعداد ذاتی وجود نداشته باشد هیچ هنری خلق

۱- (رک. قزوینچاهی، ۱۳۷۹/ ۳۳)

۲- (رک. جلالی پندری، ۱۳۷۴/ ۷۴)

۳- (رک. قزوینچاهی، ۱۳۷۹/ ۱۴)

۴- (جلالی پندری، ۱۳۷۴/ ۷۳)

۵- (قزوینچاهی، ۱۳۷۹/ ۱۰)

تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری | ۲۳

نمی‌شود و باید گفت که میزان نبوغ و توانایی فردی هم دارای اهمیت است. به عنوان مثال کمال الملک به فرانسه می‌رود تا از کوربه، کپی بردارد، ولی نیما از شعر مالارمه ای تبعیت می‌کند، و از نگاه مدرن بودلری متأثر می‌شود.^۱ چون سخن از شاعران بیگانه و مکتب‌های آنان و همچنین تأثیر آن مکتب‌ها بر شاعران ما پیش آمده است لازم می‌دانم که در اینجا به تعریفی مختصر از این سبک‌ها و مکاتب ادبی پردازم.

تعریف سمبولیسم

«در فرانسه، مکتب سمبولیسم در حوالی سال ۱۸۸۰ رونقی دوباره یافت و باری دیگر رویا و تخیل وارد ادبیات شد. هدف شعر سمبولیک این است که عظمت احساسات و تخیلات را با تشریفات واضح و صریح از میان ببریم و برای این کار باید محیطی را که برای شعر لازم است به وجود بیاوریم. یعنی خطوط زنده و صریح و بسیار روشن را محو و تیره سازیم.»^۲ به نظر سمبولیستها طبیعت به جز خیال متحرک چیز دیگری نیست. اشیاء چیزهای ثابتی نیستند، بلکه آن چیزی هستند که ما به واسطه‌ی حواسمان از آنها درک می‌کنیم. آنها در درون ما هستند، خود ما هستیم!... از این لحاظ عقاید سمبولیست‌ها بیشتر به عرفان شرق نزدیک می‌شود.^۳

سمبولیست‌ها معتقد بودند برای بیان روابط بین الهام‌ها و اشکال، باید زبان

۱- (رک. همان/۲۱)

۲- (سید حسینی، ۱۳۸۴، جلد ۵۴۴/۲)

۳- (رک. همان جا)

شعر را در هم ریخت و این چنین بود که زبان آنها نامفهوم و مبهم بود. عده‌ای از سمبولیست‌ها که در رأس آنها «مالارمه» قرار داشت از این قاعده پیروی کردند و تعبیراتی را که به کار می‌بردند فقط خودشان می‌فهمیدند و خودشان هم تفسیر می‌کردند.^۱

«نمایاندن تخیلات مبهم سمبولیست‌ها با زبان صریح و قاطعی که بتواند همه چیز را بیان کند و نتیجه‌ی قطعی و دقیقی از این بیان بگیرد امکان نداشت. برای بیان این تخیلات بیشتر مصراع‌هایی لازم بود که شبیه زمزمه‌ای آرام و مبهم و به قول «ورلن» موسیقی بی‌آواز باشد و می‌گفتند که شعر نیز مانند موسیقی باید مبهم باشد.»^۲ این دقیقاً همان عقیده‌ای است که نیما در مورد شعر دارد و بر این باور است که شعر باید مبهم باشد.

در میان شاعران سمبولیست بیگانه مالارمه و رنه گیل، برای بیان هیجان‌ات‌بدیع سمبولیستی به وجود آمدنِ زبانی جدا از زبان مردم را واجب و لازم می‌دانستند و از قالب شعر رمانتیک راضی بودند^۳ و ژول لافروگک و ورلن می‌کوشیدند زبان عادی و عامیانه‌ی مردم را به وضع هنرمندانه‌ای تقلید کنند. در عین حال به فکر درهم شکستن قالب‌های موجود شعر هم افتادند و این گونه پای «شعر آزاد» به میان کشیده شد.^۴

شعر آزاد عبارت است از عده‌ای پاره‌های موزون نامساوی که وحدت

۱- (رک. همان جا)

۲- (همان/۵۴۵)

۳- (رک. همان/۵۴۶)

۴- (رک. همان جا)

تأثیر شعر نیما یوشیج بر شعر سهراب سپهری | ۲۵

شعر، از روی وحدت اندیشه و تصویری که در آن هست تعیین می شود. سمبولیست ها، حالت اندوه بار و ماتم زای طبیعت و مناظره و حوادثی را که مایه ی یأس و عذاب و نگرانی و ترس انسان است، بیان می کنند. آنها همچنین معتقدند انسان دستخوش نیروهای ناپیدا و مشومی است که سرنوشت او و طبیعت را تعیین می کند، از این رو حالت مرگبار و وحشت آور این نیروها را در میان نوعی رویا و افسانه بیان می کنند.^۱ تأثیر اشعار رمبو و مالارمه بر دیگران، در قرن بیستم نیز ادامه داشت.

تعریف ناتورالیسم

« ناتورالیسم، پیروی از سبک طبیعت و قدرت محض است که هرگز چیزی را در نظم، زیبایی و هدفمندی، انسجام و بهره مندی، بالاتر از طبیعت نمی شناسد و مکتبی است که فقط به وصف زیبایی های طبیعت می پردازد و زشتی ها را نادیده می گیرد.»^۲

تأثیر شاعران بیگانه

نیما به جهت آشنایی با زبان فرانسه به سراغ اشعار شاعران و نویسندگان فرانسوی رفت و در این مسیر از آنها خواه ناخواه تأثیراتی نیز پذیرفت. نگارنده در اینجا به ذکر سه تن از ایشان اکتفا می نماید.

۱- (رک، همان/۵۵۱)

۲- (سید حسینی، ۱۳۸۴، جلد ۲۰/۱)